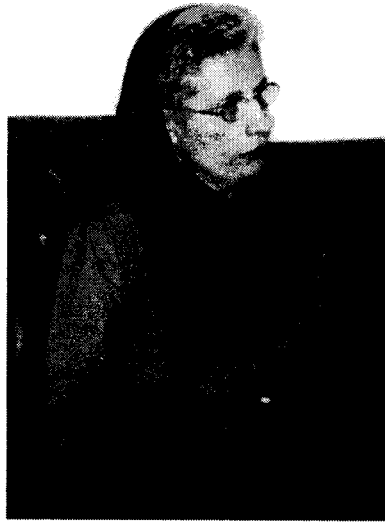




گزارشی کوتاه از هفتمین جلسه عصر ترجمه

از تورا، تا راز شکسپیر



هفتمین جلسه عصر ترجمه ویژه بررسی کتاب راز شکسپیر نوشته مارتین لینگز و ترجمه سودابه فضایی در روز سه شنبه هفدهم شهریور تشکیل شد. در این جلسه پس از سخنان کوتاه سردبیر آزما در مورد اهداف جلسات عصر ترجمه، مهتاج نجومی هنرمند تئاتر به معرفی سودابه فضایی و سیر زندگی ادبی او پرداخت.

فضایی که دانش آموخته سوربن فرانسه است تاکنون کتاب‌هایی چون تورا-ایچیچنگ-روح نعمات-فرهنگ نمادها و چند اثر از کریشنا مورتی و همچنین راز شکسپیر اثر مارتین لینگز را ترجمه کرده است در میان کارهای او که اکثراً حال و هوایی اساطیری و عرفانی دارند نام چند نمایشنامه و داستان هم دیده می‌شود.

نخستین سخنران این جلسه ایرج کریمی منتقد و نویسنده سینما بود که راز شکسپیر را از منظر سینما مورد بررسی قرار داد و گفت: کتاب «شکسپیر در پرتو هنر عرفانی» که صورت مفصل تر آن به نام راز شکسپیر به بازار آمده از کتاب‌هایی بوده که در زندگی فکری و دیدگاه من خیلی تأثیر گذاشته و در تغییر نوع نگاه من نقش داشته است. ما سال‌ها با تعبیر دیگری از شکسپیر خو کرده بودیم، دست کم در جامعه خودمان همیشه فکر می‌کردیم شکسپیر جزو قهرمانان رنسانس است و از پیشگامان قطع ارتباط با قرون وسطی و تفکر دینی است ولی این کتاب به نحو مستدل، عینی و شاعرانه عملاً یک تصور کاملاً متفاوت از شکسپیر به ما عرضه کرده است که برای من خیلی هیجان‌انگیز بود. من در پرتو این دیدگاه تازه که مارتین لینگز، با ترجمه خوب خانم فضایی به من داد عملاً شروع کردم به نگاه دوباره‌ای به اقتباس‌های سینمایی از شکسپیر که تا حالا ساخته شده است فرض کنید که ما «سریر خون» کوروساوا را دیده بودیم که اقتباسی ژاپنی از مکبث بود. تصویری که از این اثر داشتیم تصور اخلاقی بود و به هر حال فیلم را در یک چارچوب اخلاقی و فیلمساز را یک استاد

کلمات فضایی ندارم ولی نثر او با این که نواست با نوعی کهن نویسی و استفاده از اصطلاحات کلاسیک عرفانی که به عمد از آن‌ها استفاده کرده توانسته است فضای شکسپیر را برای ما زنده کند.

ترجمه مورد تأیید

دکتر مظفر بختیار که با ترجمه‌های سودابه فضایی ارتباطی نزدیک دارد، در جلسه بررسی ترجمه راز شکسپیر که به هر حال آثار دیگر فضایی را هم در برمی‌گرفت با اشاره به ویژه‌گی‌ها و دشواری‌های زبان چینی و ترجمه‌ایچینگ توسط سودابه فضایی گفت: ترجمه از چینی به زبان‌های هند و اروپایی بسیار مشکل است زبان چینی با همه زبان‌ها فرق دارد و به نوعی کاملاً وارونه است و همین موضوع کار ترجمه را بسیار مشکل می‌کند. در زبان چینی فعل وجود ندارد و یک واژه هاله‌های معنایی متفاوتی دارد که درک و شناخت این هاله‌ها در ترجمه از مهمترین مسایل است. زبان چینی فقط ۴۰۰ کلمه دارد ولی معناها بسیار گسترده است. جدا از این دشواری خود ایچیچنگ هم متنی جاودانه است و پراز ابهام و انتقال این ابهام‌ها از زبانی با مشخصات زبان چینی بسیار مشکل است.

اما در مورد ترجمه خانم فضایی از ایچیچنگ فقط این را باید بگویم که فارسی دان‌های چینی در اشل جهانی بهترین فارسی دان‌ها هستند. خانم دکتر واینک ایدن-پروفیسور جان مومنین-آقای چن تون که خودش ایچیچنگ گراست. این‌ها متن ترجمه خانم فضایی را با متن چینی مقایسه کرده‌اند و گفتند عالی است صرف نظر از مواردی که از ترجمه زبان میانه یعنی زبان فرانسه که خانم فضایی از روی آن ترجمه کرده‌اند اصلاً نباید انتظار داشت. و جالب این که در اکثر موارد نظر خانم فضایی در حدسی که بین دو مورد زده بودند درست بود لحن ایچیچنگ مثل زبان حافظ است پراز ابهام که هر کس تعبیر خودش را می‌کند و اگر این اثر با لحن خودش ترجمه می‌شد از حد فهم عامه خارج بود.

سودابه فضایی، از زبان سودابه فضایی

وقتی در بخش پایانی جلسه عصر ترجمه از سودابه فضایی خواسته شد که بیاید پشت تریبون و خودش درباره خودش و کارش حرف بزند، انگار که می‌خواهد دشوارترین کار دنیا را انجام دهد. اما احساس احترامش به جمع وادارش کرد که بر فروتنی خود غلبه کند و آمد. و از شروع کارش گفت و دلیل علاقه‌مند شدن به کار نوشتن و ترجمه و این که، همه داشته‌هایش را در این عرصه مدیون معلمی است که در سال‌های تحصیل دبیرستان او را تشویق به نوشتن کرده است و در واقع تشویق‌ها و دانش این معلم زمینه ساز تولد سودابه فضایی نویسنده و مترجم شده است.

فضایی سپس از دوستانی که در ادامه راه یاور و پشتیبانش بوده‌اند یاد کرد که این نشانه قدرشناسی اش بود و بعد چند کلامی هم درباره ترجمه‌هایش گفت و کتاب‌هایی که نوشته است و توضیحی کوتاه درباره برخی از این آثار.

اخلاق گرامی دیدیم. اما وقتی این کتاب را خواندم عملاً دیدم که اگر ما با یک دیدگاه عرفانی به سریر خون نگاه کنیم. به نتایج پیچیده‌تر، عمیق‌تر و بهتری می‌رسیم. یعنی الان اعتقاد دارم که کوروساوا با این نگاه به شکسپیر نگاه کرده بود حتی کوزینسک هم همین‌طور. ما این اعتقاد را داشتیم که اوروسی است و روسیه هم کشور کمونیستی. در نتیجه ساخته‌های اولیه این سینماگر مثلاً هملت را عملاً در چارچوب او مانستی و انسان‌گرایی می‌دیدیم یعنی بدون رویکردهای دینی و عرفانی اما در پرتو این دریافت تازه من به خاطر دارم که وقتی نقد شاه لیر را برای مجله فیلم نوشتم به دیدگاه‌های تازه‌تر رسیده بودم چون بار دوم که بعد از خواندن راز شکسپیر فیلم شاه لیر را دیدم فهمیدم کار اصلاً عرفانی است ما از خیلی تعبیرها در این تراژدی غافل بودیم. اما وقتی این اشارات بعضاً بدیهی را خواندم تعجب کردم که چه طور من متوجه نشده بودم؟ مثلاً صحنه قتل پدر هملت به دست عمویش و بعد مادرش در یک باغ و قیاس حکایت آدم و حوا و هابیل و قابیل و از این‌جا ما می‌بینیم چقدر شکسپیر به قصص انجیل توجه داشته. من خودم تعجب کردم که آن قدر در تفکر مان‌درباره شکسپیر به عنوان یک متفکر غیردینی و او مانیست پیشرو رنسانس غرق بودیم که این نکات را اصلاً ندیدیم. کریمی در ادامه با اشاره به کار سودابه فضایی در ترجمه این اثر گفت: ترجمه خیلی شیواست. این کتاب در زمینه فرهنگی و در شناخت شکسپیر یک نقطه عطف بوده در واقع با این اثر متوجه می‌شویم که شکسپیر خیلی شبیه حافظ خودمان است البته با تعبیرهایی متفاوت و به نظر من کمی باید مراقب بود به این تضادهایی که در هر دو وجود دارد باید بهاداد. گاهی ما دچار سوء تفاهم هستیم.

بعد هم این که خانم فضایی در مقدمه کتاب از خداوند خواسته‌اند که بتوانند به نثر مطلوبی برسند و کلمات مناسبی پیدا کنند. من فکر می‌کنم ایشان بسیار موفق شده‌اند کاری به نثر لینگز و نزدیکی اش با